



یادداشت‌های شهر شلوغ

صندلی‌های فعلی تندروها از دست می‌رود؟

[شهروند] ایران روزهای پرچنب‌وجوشی را می‌گذراند و تحرک در حوزه سیاست خارجی با مصاحبه‌ها و سفرهای رئیس جمهوری تشدید شده است. نگاه متوازن دولت در ارتباط با دنیا و اولویت قراردادن همسایگان و گسترش روابط با شرق ازجمله موضوعات روز است. اما با آمدن دولت دوم ترامپ این سؤال مطرح است که سرنوشت تحریم‌ها و مذاکرات و برجام چه خواهد شد؟ پزشک‌یکان در این خصوص توضیحاتی ارائه داده است و همین سرفصل مناقشاتی در رسانه‌ها و فضای مجازی شده است. تندروها و افراطی‌های دو طرف موافق و مخالف، بر دامنه تنش‌ها افزوده‌اند. اما آنچه مسلم است این است که پزشک‌یکان و دولت او هماهنگ با نظام و در راستای اهداف نظام گام برمی‌دارند....

غوغاسالاری خالص‌سازان، تلافی شکست یا خطای دید

در پارادایم ایده‌پردازان و بازیگران این رویکرد وارونه که به بهانه‌های متعدد انگشت اتهاماتی از قبیل «سازشکار بودن» و «غرب‌گرایی» را به سمت رئیس جمهوری نشانه می‌گیرند که منادی وفاق ملی و دوری از دعوا و اختلاف بوده و همگان را به پایبندی به آن دعوت می‌کند، بیان جملاتی مانند «ایران اصولاً آماده گفت‌وگو با دولت دوم ترامپ است» و «ایران هرگز طرحی برای ترور ترامپ نداشته و نخواهد داشت» در گفت‌وگو با یک شبکه خارجی مصداق پرهیاهویی برای اتهامات اثبات‌نشده و تخریب رئیس‌جمهور کشور و منتخب مورد علاقه مردم است.

خبرگزاری ایرنا در گزارش مفصلی به موضوع نقد‌های گزنده به مذاکره‌های برجامی می‌پردازد و در نهایت نتیجه می‌گیرد که سیاست خارجی دولت وفاق ملی و مواضع رئیس‌جمهور در مواجهه با تمامیت‌خواهی بیگانگان درحالی‌از سوی برخی مدعیان ولایت‌مداری تخریب می‌شود که رهبر انقلاب در دپدار ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۳ با مردم قم ضمن ایراز بستندی از مواضع صریح، قاطع و شجاعانه رئیس‌جمهور علیه رژیم صهیونیستی و پشتیبانی‌های آمریکا از جنایات صهیونیست‌ها گفتند؛ این مواضع دل‌مردم را شاد کرد.»

بررسی تبارشناسی جریان تمامیت‌خواه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ حاکی از عدم‌پذیرش شکست در این انتخابات از سوی آنها است که در نخستین گام عدم‌کناره‌گیری قالیباف از رقابتهای انتخاباتی را مسبب شکست می‌دانستند و در گام بعدی محمدجواد ظریف را به‌علت نقش فعالش در کمپین مسعود پزشک‌یکان در سیبل حملات قرار دادند و سرانجام حملات به‌صورت گسترده و مستقیم متوجه شخص رئیس‌جمهور و سایر اعضای کابینه وی شد.

به‌نظر می‌رسد شکست پی‌در پی در انتخابات متعدد و عدم‌دستیابی به جایگاه کمی و کیفی لازم در رقابت درون جناحی مجلس شورای اسلامی پیش از اینکه معلول خطای دید و قرار گرفتن در زاویه‌ای دور از واقعیت باشد، ناشی از انزوی این جریان است و بیم آن می‌رود موفقیت‌های قابل‌پیش‌بینی دولت وفاق در تحقق وعده‌ها و زنده شدن دوباره امید در دل مردم با اجرای سیاست‌های این دولت به‌ویژه پایان‌دادن به دعواها و اختلافات داخلی و انسجام و وحدت برای حل بحران‌های کشور و حل مشکلات و بحران‌های جامعه، موجب تشدید آن شود تا جایی که معدود صندلی‌های فعلی خالص‌سازان در نهادهایی مانند شورای اسلامی و... نیز از دست برود.

فرصتی برای بازگشت عقلانیت

روزنامه اعتماد با لحن ملایم‌تری به آسیب‌شناسی تندروی‌ها پرداخته و نوشت: در هر جامعه‌ای که قانونمداری و نظم جای خود را به بی‌قاعدگی و رفتارهای خودسرانه بدهد، عرصه برای زایش و جولان «افراد کوچک» فراهم می‌شود. این افراد نه از شایستگی برخوردارند و نه از شعور جمعی، بلکه ضعف‌های سیستم را فرصتی می‌یابند تا با کنش‌های سطحی و بی‌اساس، صدای خود را بلندتر از عقلانیت و تدبیر جلوه دهند. در ایران، به‌ویژه هنگام بحث بر سر تصمیمات کلان ملی، سیاستگذاری‌های خارجی یا ایفای نقش مؤثر در عرصه جهانی، پدیده‌هایی نوظهور بروز می‌کنند: افرادی که به جای دفاع از منافع ملی و عقلانیت، از دیوار سفارت‌ها بالا می‌روند، در تریبون مجلس فریاد می‌زنند یا با پلاکاردهایی در برابر مراکز تصمیم‌گیری حاضر می‌شوند و برای ملت و حتی دولت خط‌ونشان می‌کشند. این افراد کوچک‌اندیش نه به همت بلند ملت می‌نگرند و نه به عمق نیازهای کشور، بلکه میدان را فرصتی یافته‌اند تا صرفاً برای خودنمایی عرض‌اندام کنند و عرصه را برای بزرگان تنگ سازند. یکی از جدی‌ترین آسیب‌های این وضعیت، به حاشیه راندن نخبگان و بزرگان جامعه است. در فضایی که صدای رفتارهای سطحی و بی‌فایده بلندتر از خرد و تدبیر باشد، آنان که دغدغه مصالح کلان کشور را دارند یا از تخصص لازم برخوردارند، منزوی شده و میدان را ترک می‌کنند. در چنین شرایطی، جامعه از سرمایه انسانی و توان‌سازی محروم می‌شود. به این ترتیب، فرصت‌های توسعه از بین می‌رود و ناتوانی در استفاده از شایستگان به تضعیف بنیادهای نظام اجتماعی و سیاسی می‌انجامد.

چه باید کرد؟- برای مقابله با این وضعیت، نخستین گام اجرای قاطع و بی‌چون‌وچرای قانون برای همه افراد، بدون توجه به موقعیت یا وابستگی خاص

او به شبکه ان‌بی‌سی‌نیوز آمریکا گفته که آماده گفت‌وگو با ترامپ هستیم. سپس در پاسخ این سؤالات که «شما می‌گویید هرگز نقشه‌ای ایرانی برای کشتن ترامپ نبوده؟» و «قول می‌دهید که اقدامی برای کشتن دونالد ترامپ صورت نگیرد؟»، می‌گوید: به‌هیچ‌وجه! از ابتدا هم چنین قصدی نداشتیم و نخواهیم داشت. این سخنان نشان می‌دهد که آقای پزشک‌یکان، الفبای گفت‌وگو با یک رسانه آمریکایی را نمی‌داند و فاقد مهارت مصاحبه است. وگرنه چرا باید خبرنگار آمریکایی بتواند حرف در دهان ایشان بگذارد و در موضع انفعال بیندازد؟! چرا کسی که دائماً کلیدواژه «حق و عدالت» را تکرار می‌کند، نمی‌تواند به خبرنگار آمریکایی یادآوری کند کسی که نقشه کشیده و دستور ترور را داده و مرتکب جنایت شده، دونالد ترامپ بوده و نه ایران؟! چرا نمی‌تواند بگوید فرمانده شجاعی را که بزدلانه در فرودگاه بغداد ترور کردید، مهمان رسمی دولت عراق و فرمانده جبهه ضدتروریسم در منطقه بود و شُرّ داعش را کم کرد؟! اگر آقای پزشک‌یکان آمادگی گفت‌وگوی رسانه‌ای با طرف آمریکایی را ندارد، چه کسانی در میان اطرافیان نزدیک، چنین تور و تله‌ای را پهن می‌کنند؟ نقش امثال آقای ظریف در این بازی خودزنی چیست؟!

واکنش‌ها به مصاحبه پزشک‌یکان و هولت در توئیتر، ویراستی وایت‌نیز حول محور اقدام تروریستی ترامپ در به شهادت رساندن سردار سلیمانی می‌چرخید. یکی از کاربران شناخته‌شده سایبری در این باره نوشت: «اشعث‌ها و ابوموسی‌اشعری‌ها به میدان آمده‌اند تا بار دیگر مذاکره ذلیلانه را به جامعه دینی تحمیل کنند؛ هر‌کس فریاد زنند در این ننگ تاریخی شریک خواهد بود!» عده‌ای دیگر یاد سیدابراهیم رئیسی را زنده کردند و بخشی از کاربران شناخته‌شده و ناشناس بر موضوع ترور سردار سلیمانی و مطالبه انتقام از ترامپ تأکید کردند.

با گذر از واکنش‌های روز گذشته که همچنان ادامه دارد، جریان ترکیبی از شخصیت‌های شناخته‌شده مانند میثم نبلی، برادر داماد رئیسی و مدیرمسئول رجانیوز، به‌صورت علنی و طیف گسترده‌ای از کاربران موسوم به سایبری در توئیتر، ویراستی و ای‌تا، خط‌مرگ مشکوک سیدابراهیم رئیسی را پیش می‌برند که همچنان در کانال‌ها و صفحاتشان بازتشر می‌شود.

نبلی چندی پیش به بهانه سال‌روز قتل امیرکبیر در ویراستی نوشت: «رحمت‌خدا بر شهید امیرکبیر، قتل مشکوک او محصل وفاق قدرت‌طلبان سیاسی و دلال‌های وابسته فجری، با اراده دشمنان و دولت‌های استکباری و استعماری آن روز بود؛ اما نقش بابی‌ها و یهودیان مخفی ایران را هم نباید نادیده گرفت. هدف مشترک‌شان، متوقف‌کردن حرکت ۳ساله به‌سوی استقلال و پیشرفت ایران اسلامی بود.»

هنوزم مذاکره نکرده، دعوای برجام را شروع کرده‌اند!

روزنامه جوان با گوشه‌چشمی به وضعیت اقتصادی کشور نوشت: درحالی‌که حرف و حدیث‌ها پیرامون مذاکره با آمریکا در جریان است و اصلاح‌طلبان مثل همیشه در تلاش هستند آن را به‌عنوان «بنت‌ها» راه‌حل برای «همه» مشکلات معرفی کنند، جریانی هم‌سو با دولت می‌کوشد از هم‌اکنون مقصران گذشته برجام و آینده مذاکرات خیالی را در داخل معرفی کند. از این طریق، درصورت شکست در مذاکرات از پذیرش مسئولیت آن می‌گریزند و پای خود را از معرکه بیرون می‌برند؛ هم با مخالفان داخلی تسویه‌حساب می‌کنند و هم اینکه با تبرئه‌کردن دولت آمریکا از پیمان شکنی و غیرقابل اعتماد بودن، نمی‌گذارند باب مذاکره برای همیشه بسته شود. وقتی همیشه مقصر طرف ایرانی است، چرا دوباره برای مذاکره با آمریکا مشتاق نباشند؟

مصطفی پوردهقان که عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی است و خود را به لحاظ سیاسی مستقل می‌داند، به برخی واکنش‌ها علیه پیوستن ایران به FATF اشاره کرده و گفته است: «آقایانی که روز دوشنبه در مجلس شروع به فریاد و هوار زدن، حنجره پاره کردن و گفتند مشت تو دهان آدم‌ها می‌زنن و این الفاظی که به‌کار بردن و به‌دولت و افراد پریدن، بداندن این ادبیات هیچ‌جایی در نظام جمهوری اسلامی ایران ندارد....»

او اضافه کرده است: «اگر قرار است مشتی بر دهان کسی زده شود، باید به دهان آن کسی بزنند که با کارهای احساس‌اسی از قبیل آتش زدن برجام دلار ۷هزار تومانی را به ۸۰هزار تومان رساند.»

جالب آنکه او گفته چنین الفاظ و ادبیاتی در نظام اسلامی جایی ندارد و در عین حال خود از چنین ادبیاتی استفاده کرده است!

اما مقصریابی برای دلار ۸۰هزار تومانی هم جالب توجه است. برخی نمایندگان مجلس «یک روز پس از خروج آمریکا از برجام» در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ اقدام به آتش زدن متن کاغذی برجام در صحن علنی مجلس کردند. آیا می‌شود تاریخ را از نیمه روایت کرد و بدون اشاره به زمان و دلیل آتش زدن برجام، همه مقصر ماجرا را اینان معرفی کرد؟ بر فرض آنکه این نمایندگان هم مقصر بودند، یعنی قرار نیست هیچ نقش و تقصیری برای دولت آمریکا قائل باشیم و همه چیز کردن داخلی‌هاست؟

از سویی دیگر، عبدالناصر همتی که اکنون وزیر اقتصاد است، در ماه‌های پس از خروج آمریکا از برجام، رئیس‌کل بانک مرکزی ایران بود. آیا کنترل قیمت دلار در حیطه مسئولیت او نبود؟ و آیا هیچ‌کس نباید هیچ مخالفتی کند تا آقایان بتوانند دولت‌داری کنند؟

از همه مهم‌تر آنکه آتش زدن نسخه کاغذی برجام، در عمل هیچ‌گونه تأثیر حقوقی بر بود و نبود ایران در برجام نداشت و پس از آن هم ایران در برجام باقی‌ماند، اما نه طرف‌های غربی پای تعهدات خود در برجام ماندند و نه کسی در ایران توانست قیمت دلار را کنترل کند. پس از خروج آمریکا از برجام، اروپایی‌ها در برجام بودند و ایران هم در برجام باقی‌ماند، کلی هم مذاکره و توافق و فلان و بهمان‌صورت گرفت، اما نتیجه چه شد؟

این مدل مقصریابی که مدام تکرار شود که نگذاشتند ما کار کنیم، نشان خوبی از مسئولیت‌پذیری و البته قدرت مسئولان موافق برجام نیست. نمی‌شود مدام بهانه آورد که نگذاشتند کار کنیم. طبعاً هر فرد، هر دولت و هر کاری عده‌ای مخالف دارد، اینگونه هیچ‌کس نباید هیچ کاری کند، مگر دهان همه مخالفان بسته باشد!

واکنش تندروها به سیگنال مذاکره با ترامپ

نگاه متوازن دولت در ارتباط با دنیا و اولویت قراردادن همسایگان و گسترش روابط با شرق ازجمله موضوعات روز است. اما با آمدن دولت دوم ترامپ این سؤال مطرح است که سرنوشت تحریم‌ها و مذاکرات و برجام چه خواهد شد؟ پزشک‌یکان در این خصوص توضیحاتی ارائه داده است و همین سرفصل مناقشاتی در رسانه‌ها و فضای مجازی شده است. تندروها و افراطی‌های دو طرف موافق و مخالف، بر دامنه تنش‌ها افزوده‌اند. اما آنچه مسلم است این است که پزشک‌یکان و دولت او هماهنگ با نظام و در راستای اهداف نظام گام برمی‌دارند....

اتاق فکر ضدایران چه می‌کند؟

ترامپ، اکنون این فرصت بی‌ظنیر را دارد که ایران را عقب براند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی تهران را پاسخگو کند و ثبات منطقه و خاورمیانه را ارتقا دهد.» می‌توان گفت این سند تقریباً مجموعه‌ای از اقدامات ضدایرانی را شامل می‌شود که در تمام این سال‌ها با استفاده از لابی‌های قدرتمند و بهره‌انداختن کمپین علیه ایران انجام داده است. این برنامه تقریباً همه ابزارهای اصلی قدرت آمریکا در چهارمحور را در راستای تحقق هدف اصلی خود به‌کار گرفته است. انتشار رسمی این برنامه می‌تواند پیام روشنی هم داشته باشد، رئیس‌جمهور آمریکا تاکنون اظهارنظر صریحی در مورد ایران نداشته است. عمده اظهارات او بیشتر درخصوص تعرفه‌ها، تبدیل شدن کانادا به ایالت ۵۱امریکا و گرینلند بوده است. موضوعاتی که نشان می‌دهد عمده تمرکز ترامپ بیشتر بر اقتصاد و بهبود اوضاع داخلی در آمریکا قرار دارد. انتشار این برنامه را می‌توان تلاشی برای سوق دادن آمریکا به پیگیری جدی فشار حداکثری علیه ایران دانست.

مسئله مبهم ایلان ماسک

شاید باید به گزارش فرهیختگان موضوع ایلان ماسک را اضافه

^[1] کرد. به گزارش شرق، ایلان ماسک می‌گوید در آزادی خبرنگار ایتالیایی بازداشت شده در ایران نقشی کوچک بازی کرده است

^[2] این ادعا از سوی بیلبور آمریکایی در حالی مطرح شد که ایران شایعات در مورد تماس تلفنی ماسک با ایرانی، نماینده ایران در سازمان ملل برای آزادی چیچلیا سالار را رد کرده بود

^[3] این اولین‌بار نیست که نام ایلان ماسک و ایران با هم گره نیویورک‌تایمز مدعی شد که امیرعباس ایرانی، نماینده ایران در سازمان ملل، با ایلان ماسک، یاز‌غار این روزهای ترامپ، دیدار داشته است

^[4] هیچ تصویری از چنین دیداری منتشر نشد و بعد ایران آن را کاملاً تکذیب کرد
اما در همان زمان رسانه‌ها دست به تحلیل دیدار ماسک و ایرانی زدند و از تأثیر صاحب‌توئیتر بر روابط میان ایران و آمریکا گفتند

^[5] در جایی غیرباز دفتر نمایندگی ایران، با یکدیگر دیدار کرده‌اند

^[6] از سوی طرف آمریکایی کاملاً مسکوت ماند و نه خود ایلان ماسک

^[7] و نه دیگر نزدیکان ترامپ موضوع را تأیید یا تکذیب نکردند